

کاشف

ویژه نامه اربعین

پنجشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۰
شماره ۲۶۲
۳۰ صفر ۱۴۴۲
هفته نامه فرهیخته، خیری
مدرسه دینتجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

kashef@quranetratschool.ir
www.QuranEtratSchool.ir



امروز در دنیای پیچیده‌ی پرتبلیغات و پُرهیاها، حرکت اربعین، یک فریاد رسا و رسانه‌ی بی‌همتا است. چنین چیزی وجود ندارد دیگر در دنیا؛ اینکه میلیون‌ها انسان راه می‌افتند، از کشورهای مختلف، از فرق مختلف اسلامی و حتی بعضی ادیان غیر اسلامی. این وحدت حسینی است. شما بدرستی گفتید: «الحسین یجمعنا».

۹۸/۷/۲۱
مهر انقلاب

الحسین جمعنا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادداشت ادبی

اربعین نگاری

به قلم اعضای مدرسه حمد

مقدمه

نعیمه پورصالحی

قلم را واژه به واژه بر صفحه کاغذ می رانم...
قدم به قدم های زوار تداعی می شوند...
جسمم نیست آن جا و آن میان...
پاهایم در بغلم کز کرده اند.
قلمم اما به شوق وصل، کاغذها را در می نوردند،
می خواهند طعم تلخ جاماندگی را از پاهایم بگیرند، و به جای حسرت، قیام را به ارمغان بیاورند.
کدامین قدم (بخوانید قلم) است که قرآن خوانده باشد و تمنای وصل حسین علیه السلام نداشته باشد؟!

پاهای خسته، بی اعتنا به تاولها، مجاهدانه گام بر می دارد.
گرد راه زیور لباسش شده و میل رسیدن به آخرین عمود، نفس هایش را
به شماره انداخته!
در آخرین روز میهمانی، به آرزویش رسیده؛
و معتکف شش گوشه کربلا می شود.



اربعین؛ منسک نزول مائده آسمانی

حکیمه سلمانی

دلتنگی است دیگر! راه به قلم می بندد و من که می دانم، هر چه بگویم
و بنویسم، خیسی چشم و بغض گلویم را که تصویر نمی کند!
هر سوره که زیارت می کنم دل تنگتان می شوم... رایحه ای از مائده ای
وجودتان، رزق همیشه ام از کتاب خداست!
راه کربلایم بسته است اما، بگو کدام سوره قلبم را، به آسمان حریمت
می رساند؟



اربعین و سوره عادیات

هدی کسایی

عزم میدان کرده ام.
کفش های سنگین رخوت را از پای برکندم و سبک بال با توشه ای پر از
اشک و حاجت یاران راهی دیار حسین شدم، تا در رزمایش میلیونی
عشاق، نقش قلبم را منقش به نام حسین علیه السلام کنم.
دل خوش دارم در قیامت، با ضمیمه نام حسین به صدرم، نزد پرورگار
خبیرم مبعوث شوم.



اربعین و سوره عادیات

مهدیه مالکی

دل در پی دلدار لبیک کنان راهی شده؛
از شوق وصال، سختی راه، کامش را چون شکر، شیرین کرده؛



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الحسین علی بن ابی طالب علیه السلام

میدان دفاع از حریمت، با خون سرخ مقدسش، «ما رأیت الا جمیلا» شد
و بعد از گذر هزار و اندی سال از سراسر عالم از هر نژاد و رنگ و زبانی،
چون براده‌های آهن بر مدار جاذبه عشقش جمع می‌شوند و رد پای قافله
مظلوم اهل بیت را دنبال می‌کنند.
این راه، راه غربالگریست...
خدا کند که بمانیم؛ پای حرفمان، پای عهدمان...



اربعین و سوره همزه

نعیمه پورصالحی

نفس ناقصم را در آینه کمالت می‌بینم، ای پدر بندگان خدا!
تو هرگز کسی را از خویش نمی‌رانی!
پس، از حالا قصد می‌کنم برای پیوستن به خیمه بی‌نقص تو، مرا از هرچه
عیب و نقص است برهان!
که هر آینه تو مرا در زلالی خود پاک می‌کنی!



اربعین و سوره انشراح

نعیمه پورصالحی

هرکه پا جای پای زینب علیها السلام گذاشته باشد، می‌داند باید سینه را بگسترده
برای هرچه سختی است...
هر آینه او می‌دانست و به همه فهماند که سختی و آسانی این راه،
حسین علیها السلام است و بس!



اربعین و سوره حدید

نعیمه پورصالحی

با تو بودن یعنی می‌خواهم، به آنانی ملحق شوم که سینه‌هایشان مانند



اربعین و سوره ضحی

نعیمه پورصالحی

بیا و مرا در آغوش بگیر،
مرا با همه نیازم،
با همه حسرت و تاریکی و ناداری‌ام...
من گرچه از حرمت دورم،
اما حریم تو حبس در حرم نیست!
مرا تنگ‌تر در آغوش بگیر،
تا قصه‌ی گرمای وجودت را به همگان بازگو کنم.



سوره لیل و اربعین

نعیمه پورصالحی

به نفس نفس می‌افتم
و در طوفان امور گونه‌گون، تو را به خاطر می‌آورم..
این همه تکاپو برای که؟ برای چه؟
اگر برای تو ندویدم و از نفس نیفتادم، مرا چه سود؟؟
بیا و منتهی نه بر زندگی نازیایم، که تو حسینی و هرکه در جست و جوی
حُسن بود، راه تو آسانترین است...



متن ادبی اربعین

زهره رفیعی

شیرینی و حلاوت آیه‌های آن وقتی به جان می‌نشیند که مصداق تمام
عیاری را به رخ جهان کشیدی؛ نور علی نور...
نرفته‌ام و ندیده‌ام، فقط شنیده‌ام... اما شنیدن کی بود مانند بودن؟!
لوح محفوظت در مسلخ عشق، پرپر شدن را تلاوت کرد و نقش نقش





الْبَيْتُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ لِلَّهِ وَالزَّكَاةُ لِلَّهِ وَالْحَجُّ لِلَّهِ وَالْبُرُوقُ لِلَّهِ وَالسَّيْرُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ لِلَّهِ وَالْحَيْضَةُ لِلَّهِ وَالْحَيْضَةُ لِلَّهِ وَالْحَيْضَةُ لِلَّهِ



اربعین و سوره عادیات

معصومه صفایی

مقصد به مقصد، سرا به سرا، اقامتگاه تا اقامتگاه، حرکت به سوی حسین علیه السلام، مشق «و العادیات» است. نزدیک شدن به میدان جهاد تا فراسوی زمان، قدم‌های پیوسته نشان از آرامش درون و اطمینان از مقصدی است که به سویش می‌روند، تاول پاهای نشان از تلاش رسیدن به میانه میدان نبرد است برای مقصدی روشن.

کدام جسم خستگی را بهانه کرد و به سوی وادی عشق حسین علیه السلام نتاخت؟

جز آن بود که او را ندید؟!

و آن که حسین علیه السلام را دید، هیچ ندید.



متن ادبی اربعین

خانم سلطانی

سنگین است، بسیار سنگین! کوله بارم را می‌گویم.

سنگین‌تر از آن چه که با آن بتوانم به هرجایی که دلم می‌خواهد بروم. درش را باز کردم دیدم پر است از دلواپسی، نگرانی از فرداهای نیامده، وابستگی و تردید و بلا تکلیفی نسبت به اینکه دقیقاً چه می‌خواهم و برای چه زنده‌ام...

می‌دانم که برای رفتن باید سبک بار سفر کنی.. قانون سفر این است اما من...

تعطل در سبکبار شدن، کار خودش را کرد و مرا زمین گیر کرده است! با بار زمین خوردم و از رفتن بازمانده‌ام!

نرسیدم... اصلاتوانستم بروم!

زانوی غم در بغل گرفته‌ام. جا ماندن، از قافله عقب ماندن، همیشه درد دارد!

ندایی در درونم شنیدم: «منتظرت هستیم. کوله بارت را از هر آن چه که

صفحه‌های آهن است؛

با تو بودن یعنی دل کندن از هرچه زینت و تفاخر و لهو است؛

با تو بودن یعنی دیدن تو در قله‌های کمال و سیر به سویت!

آری با تو بودن یعنی رهایی از هرچه شح نفس...



اربعین و سوره شمس

نعیمه پور صالحی

تو را می‌پایم، دارم از تاریکی‌های راه با سرنخ نور وجودت، به سویت حرکت می‌کنم.

الهامی در درونم هست که مدام در من تکرار می‌شود: اگر طالب تو باشم، برای پاکی جانم، و لیاقت با تو بودن، باید به پا خیزم... جانم را به الهام نور تو مزین می‌کنم و نمی‌گذارم گرد هیچ ناامیدی‌ای بر زندگی‌ام بپاشد.



اربعین و سوره عادیات

زهرا دلداده

قسم به نفس نفس زدن‌های مرک‌هایتان، که مرا می‌رسانند ستون به ستون، خیمه به خیمه، کشان کشان به سوی تو.

قسم به عطر چای موکب‌هایتان که آتش می‌زند و می‌سوزاند وجودم را، تازه می‌کند روحم را، نفسم را، جانم را.

می‌آیم که گرد و خاکی به پا کنم و دیگر نم‌اند از من، منی و نامی و نشانی.

هنوز مانده که پایم تاول زند، بی‌خود شوم، گم شوم در گرداب عشق تو، در آن میانه میدان.

رستاخیز جان است این‌جا، تو برانگیختی، تو خواستی، تو دانستی که باید بیایم.

می‌آیم..





الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهذا وَلا يَهْدِي الْغايَةَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ

این کلام، یعنی با اربعین حسین علیه السلام را و آینده حسین علیه السلام را به تمام عالم خواهیم شناساند...
و با اربعین نفس تازه ای در کالبد بی جان بشر خواهیم دمید...



متن ادبی اربعین ناهید لاله زاری

یادت هست عمودهایی که عصر عاشورا بالا رفت با سهرایی از عزیزترین و بهترین انسان‌ها؟
شاید هزار و چهارصد و پنجاه و دو عمود مسیرت به احترام آن‌ها ایستاده‌اند...
عمودهایی که پیاده رفته‌های مسیرت خوب با آن‌ها علقه و پیوند دارند...
عمودهایی که من را به یاد این جمله از زیارتت می‌اندازد:
«اشهد انک من دعائم الدین و ارکان المسلمین و معقل المؤمنین»
عمودهایی که هر زائرت دلش را پیچکی کرده و پای یکی از آن‌ها کاشته تا در زمین نماند برود بالا و آسمانی شود.
اربعین!
در این فراق جان سوز، به دل ما هم سری بزن...



اربعین و سوره انشراح آسیه سادات شریف النسب

در این شهر آشوب دنیا نفس‌هایم تنگ است یا حسین علیه السلام!
با آوازه نامت سینه‌ام را شرح بده تا به دریای وجودت ملحق شوم.
می‌خواهم یسری باشم پس از عسره‌ایت، تا باری از سختی‌های زینبت بردارم.
به راستی که اربعین یعنی در میان همه سختی‌ها، شوق تو و خدای تو، آسانی حتمی آن است.

زائد بودنش برایت بدهی است، خالی کن. راه را آغاز کن، در مسیر است که بار و وبال را خواهی شناخت. راه می‌نمایدت که چون باید رفت!



اربعین و شهدای دفاع مقدس ناهید لاله زاری

ای جامانده‌های پیاده‌روی اربعین...
تا به حال فکر کرده‌اید که شهدای دفاع مقدس چندین بار پیاده‌روی اربعین رفته بودند؟ و چندین بار کربلا؟
بسیاری از آن‌ها در آرزوی سفر به کربلا ماندند و جان دادند...
اما جامانده نشدند از کاروان عشق اباعبدالله...
آن‌ها مصداق ولی الله و حبیب و خلیل و نجیب و صفی الله شدند و وظیفه‌شان را به درستی انجام دادند، در مبارزه کم نیاوردند، تا بذل جان ماندند و برای این که چون مولایشان بشر را از جهالت و سرگردانی نجات دهند، تا آخرین قطره خونشان مبارزه و جهاد کردند...
یادتان هست چه جوانان و انسان‌های نازنینی بودند؟
یادتان هست که وفای به عهدشان مصداق «وفیت بعهد الله» بود؟
یادتان هست چقدر ولایت‌مدار و گوش به فرمان فرمانده بودند، و «اشهد انک من دعائم الدین و ارکان المسلمین و معقل المؤمنین» رازندگی کردند؟!

و این چنین آن‌ها تصویری واقعی از زیارت و پیاده‌روی اربعین برای ما ترسیم کردند و رفتند...
یادشان به خیر؛ اربعین نرفته‌های اربعینی شده!



متن ادبی اربعین ناهید لاله زاری

«و چون مهدی علیه السلام بیاید خودش را فرزند حسین علیه السلام معرفی خواهد کرد و همه عالم او را می‌شناسند.»





الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ طِينٍ



اربعین و سوره ذاریات مینا ذیحی

داامن کشان از غیر،
قدم به قدم، عمود به عمود، سلام به سلام،
به سوی تو می گریزند، خدا!
تک تک نفس هایشان عطر انقطاع دارد و خط به خط نگاهشان، آوازه ی گریز.
با من اما از مبادی این قدم ها بگو؛
که هر یک از کدامین کفر، از کدامین عقاب، روی گردانده و این چنین به
سوی تو فرار می کنند؟
آغوش محض!



متن ادبی اربعین زهره رفیعی

همراه سیل خروشان سیه جامه گان جاری شدیم و در جریان رود زلال
اهل بیت علیهم السلام به دریای حقیقت وصل شدیم.
چه زیباست آرامشی که طوفان به پا می کند و چه باشکوه است امواج
مواج راه، که سجده کنان خود را به ساحل عشق می رسانند تا خط سرخ
خون ثارالله را دنبال کنند...
والله که این راه، صراط مستقیم است؛ راهی برای رشد، برای جوانه زدن،
برای رهایی از روزمرگی!

خاتمه:

سیده زهرا طباطبائی نژاد

قیام تو، چراغ راهی بود برای همیشه تاریخ تا همگان بدانند که شناخت ولی و همراهی با او، تنها راه فلاح و فتح است. از آن به بعد، دیگر نباید آزاده ای، رستگاری را در مسیری جز عزت جست و جو کند؛ عزتی که همه اش نزد خداست. و هیچ مسلمانی، نباید پیروزی را غیر از فتح قلعه های توحید بداند. و این دو را جز در ملحق شدن به ولی نبیند.
پس از قیام شما، نشستن خطاست مگر آن که در آن نشستن، نقشه قیامی طراحی و پایه ریزی شود.
و ایام اربعین، فرصتی است تا نشان دهیم همه تلاش های ما برای رسیدن به تو و ملحق شدن به منتقم خون توست.
پیاده روی اربعین، چشمه ای است از حقیقت پس از ظهور که نشان می دهد اگر منجی بشریت بیاید، دنیا رنگ و بوی دیگری به خود می گیرد.
و ما چه راه اربعین را در خاک عراق طی کنیم و چه این که، به هر دلیل معقولی، از این طی الطریق جا بمانیم، از زمینه سازی ظهور فرزندان دست نمی کشیم و تا جان داریم، از پیمودن این مسیر، باز نمی مانیم، ان شاء الله.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

احمد رضا اخوت

هیأت تحریریه:

اعضای مدرسه دانشجویی قرآن و عترت علیهم السلام

کانال اطلاع رسانی

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیهم السلام

@QuranEtratSchool

